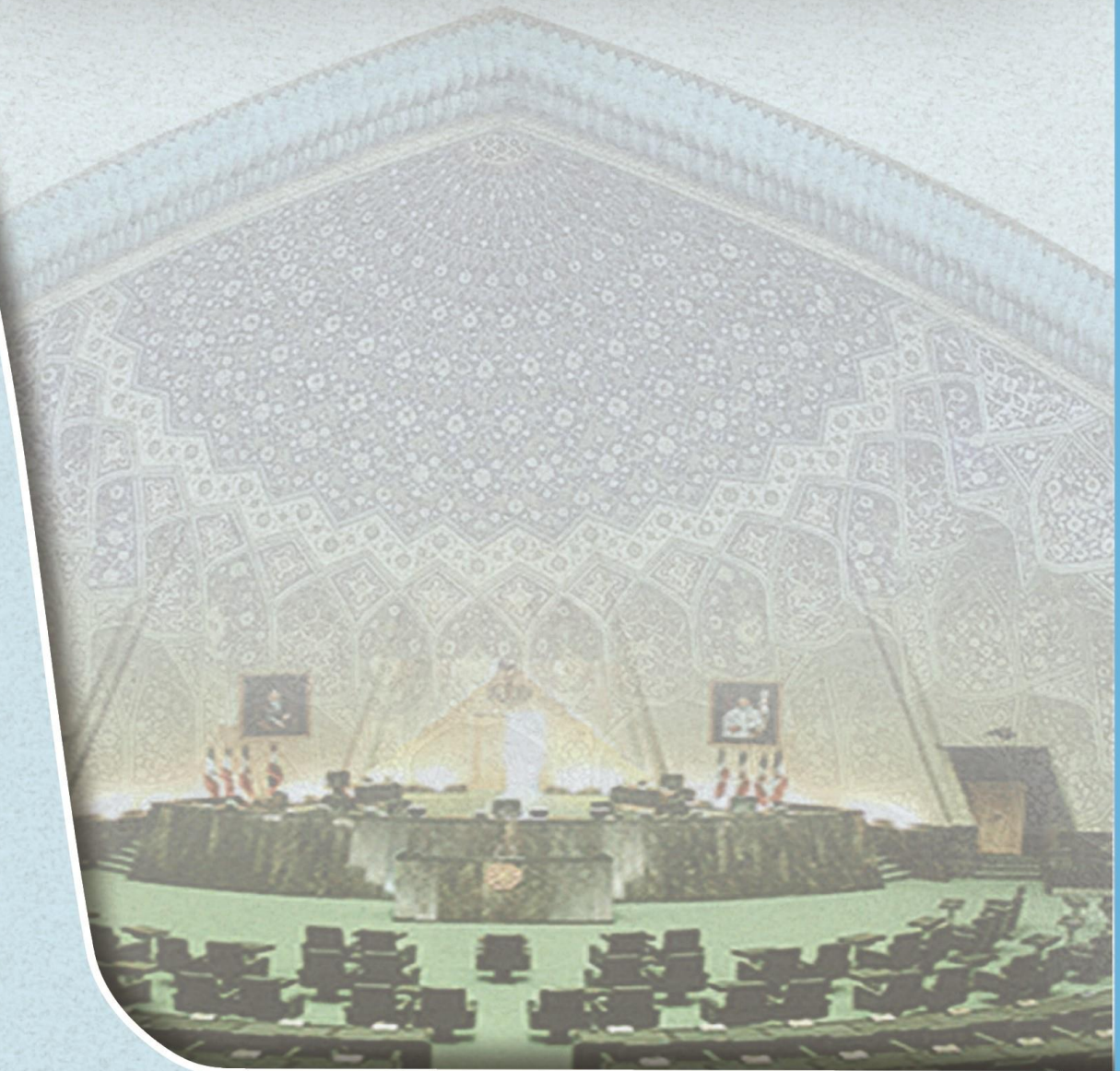


چیستی حکمرانی اسلامی



مرکز تحقیقات اسلامی
گروه حکمرانی اسلامی

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه حکمرانی اسلامی

مجری طرح:	
دکتر علی اکبری معلم	
ناظر:	
دکتر نجف لک زایی	
ارزیاب:	
دکتر علی اکبری معلم	
مشاورین علمی:	
دکتر نجف لک زایی / دکتر علی اکبری معلم	
نویسنده:	
حجت الاسلام مهندس محسن حدادی	
عنوان گزارش:	
چیستی حکمرانی اسلامی	
شماره ثبت در مرکز:	
۰۲/-/۵۱-۶۰۵	
تاریخ انتشار:	
پاییز ۱۴۰۲	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چستی حکمرانی اسلامی

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه حکمرانی اسلامی

فهرست

۳	خلاصه مدیریتی
۴	مقدمه
۴	پیشینه
۷	۱. مباحث مفهومی و نظری
۸	۲. ارکان سازه حرکت
۸	۲.۱. مبدأ و مقصد
۹	۲.۲. متحرک و محرک
۹	۲.۳. زمان و مکان
۹	۳. تطبیق مفهوم حکمرانی با سازه حرکت
۹	۳.۱. مبدأ و مقصد
۱۰	۳.۲. زمان و مکان
۱۰	۳.۳. متحرک‌ها
۱۱	۳.۴. محرک‌ها (معرفتی دانشی - انگیزشی)
۱۳	۳.۵. زمان و مکان
۱۴	۴. مفهوم دین
۱۵	۶. مفهوم حکمرانی دینی
۱۷	۷. نتیجه
۱۸	توصیه‌های سیاستی
۱۹	منابع

خلاصه مدیریتی

مفهوم حکمرانی اسلامی از ابتدای تشکیل گروه حکمرانی اسلامی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس مدنظر مدیر و اعضای شورای علمی گروه بوده و در این خصوص تاکنون نشست‌های علمی متعددی برگزار شده است. از نشست‌های علمی تأثیرگذار و روشنگر مفهوم حکمرانی اسلامی، مربوط به نشست جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر نجف لک‌زایی، مدیر گروه حکمرانی اسلامی است. این نشست با عنوان «حکمرانی اسلامی؛ کالبدشکافی مفهومی و پارادایمی» ارائه شد. جناب استاد لک‌زایی بحث خود را ارائه کرد و سپس استادان و اعضای شورای علمی گروه حکمرانی اسلامی در خصوص موضوع به اظهار نظر پرداختند و در ادامه ارائه‌دهنده به تکمیل بحث خود پرداخت. نشست مذکور با انجام فراوری با عنوان «چیستی حکمرانی اسلامی» به متن قابل استناد تبدیل شد که اینک به پیوست می‌باشد.

مفهوم حکمرانی اسلامی در قالب سازه حرکت مورد بررسی قرار گرفت. تعریف به‌دست آمده از بررسی مذکور، عبارت است از: حکمرانی اسلامی فرایندی است که به هدایت فرد، جامعه، نهادها و ... در سطوح و ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر اجزا از مبدأ تا مقصد می‌پردازد و با بهره‌گیری از سازوکارها و محرک‌های معرفتی و انگیزشی توحیدی، عاقلانه و عالمانه به‌منظور تحقق عدالت از طریق عمل صالح و با به‌کارگیری ابزارهای قدرت مشروع عمل می‌کند.

امروزه داشتن نظام حکمرانی از عوامل پیشرفت کشورها محسوب می‌شود. اما نکته حائز اهمیت در مسیر پیشرفت این است که نمی‌توان حکمرانی را منقطع از مبادی و مبانی توحیدی در نظر گرفت؛ چراکه خدای متعال در قرآن کریم حق حکم، حکومت و حکمرانی را برای خود می‌داند. لذا می‌توان گفت تنها حق و حقیقت می‌تواند منشأ حکم و حکمرانی باشد. بنابراین برای فهم چیستی حکمرانی پیش از هر چیز باید این مفهوم را در پارادایم اسلام کشف و سپس در قالب ادبیات مرسوم بیان کرد. برای دستیابی به تعریف حکمرانی اسلامی باید دانست که نمی‌شود مفاهیم سازه‌ای را بدون استفاده از چارچوب مناسب فهمید. اینکه کدام حکمرانی و با چه معنا و مؤلفه‌هایی می‌تواند در پیشرفت کشورها مؤثر باشد، نیاز به تأمل دارد. مفهوم حکمرانی براساس جهان‌بینی و مبانی فکری و فرهنگی جوامع و با ملاحظه اقتضائات زمانی و مکانی متفاوت تعریف می‌شود. بنابراین در جمهوری اسلامی ضرورت دارد چیستی حکمرانی از منظر مبانی اسلامی برای جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. اساساً برای ورود به مباحث حکمرانی از دیدگاه اسلام، نخست بایستی مفهوم حکمرانی از نظر اسلام روشن شود تا بنابر تعریف مختار، بتوان مدل حکمرانی اسلامی را مورد بحث قرار داد و فرایند آن را ترسیم کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، چیستی حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از روش سازه‌ای حرکت در حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه

سابقه حکمرانی را باید از ابتدای خلقت حضرت آدم (ع) و هبوط اولین بشر بر کره خاکی دانست و همان‌طور که به تصریح قرآن، تمام انبیا و رسل برای رسیدن و رساندن توحید آمده‌اند، از حکمرانی این بزرگواران می‌توان با تعبیراتی چون توحیدی، الهی، انبیا و قرآنی یاد کرد. بنابراین برای حکمرانی دینی چنین سابقه‌ای قابل ترسیم است و این ریل‌گذاری در حکمرانی دینی از حضرت آدم (ع) شروع شده و در نبرد جریان حق و باطل تاکنون ادامه داشته است. این حکمرانی را می‌توان با تعریف «راهبرد پیشبرد مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان از طریق عمل صالح» شناخت. اما وجه دیگری نیز که در حکمرانی امروزی با آن مواجه هستیم حکمرانی عرفی، تجربی و مادی است که در غرب رواج بسیاری دارد. ارکان این نوع حکمرانی، با توجه به مبدأ و مقصد عرفی و تجربی تعیین می‌شود و فرایندی طراحی می‌کنند که از وضع موجود به وضع مطلوب متناسب با آن نظام سیاسی حرکت کنند. از رهگذر این مبدأ و مقصد به ایده و سیستم و اجرا می‌رسند و چرخه حکمرانی خود را بنا می‌کنند که البته باید گفت سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه حکمرانی، نوع عرفی و مادی آن است. البته در حکمرانی دینی به استفاده از تجارب بشری و عرف نیز در جایگاه مخصوص خودش پرداخته می‌شود. بنابراین قلمرو حکمرانی برخلاف تصور غرب، محدود به این دنیا نیست. لذا حکمرانی خوب غربی با حکمرانی اسلامی نه تنها در فرایند بلکه حتی در مبدأ و مقصد نیز تفاوت ماهوی دارد. برای مثال در قلمرو حکمرانی اسلامی، هم دنیا مطرح است و هم عقبی؛ اما در حکمرانی خوب غربی، تنها هدف بهره‌مندی از بهره‌های مادی این دنیاست.

در ادبیات رایج بین‌المللی با تعریف‌های مختلفی از حکمرانی مواجه هستیم که براساس آن، شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب^۱ در جهان امروز مشخص شده است. بانک جهانی^۲ برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ تعریفی از حکمرانی خوب ارائه کرد که شاخص‌هایش عبارت بود از: مدیریت دولتی کارآمد شامل بودجه‌بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها، پاسخ‌گویی، چهارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت، که اطلاعات درباره اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد است. پس از آن در ۱۹۹۳ با تعریف دیگری از سوی ODA^۳ مواجه هستیم که حکمرانی خوب را مشروعیت دولت به معنی وجود فرایندهای مشارکتی و رضایتمندی افراد، پاسخ‌گویی، شایستگی دولت و احترام به حقوق بشر و رعایت قانون تعریف کردند. فریدمن^۴ در ۱۹۹۸م حکمرانی خوب را با این شاخص‌ها تعریف کرد: حسابداری عمومی، پاسخ‌گویی، مدیریت مسالمت‌آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، مشمولیت و عدالت. بانک جهانی در سال ۲۰۰۰م تعریف قبلی (۱۹۹۲) خود را به‌روزرسانی کرد. شاخص‌هایی که در تعریف جدید برای حکمرانی خوب ارائه شد عبارت بود از: مشارکت، شفافیت، پاسخ‌گویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و ثمربخشی هزینه. در همان سال ۲۰۰۰م تعریف دیگری در مجامع بین‌المللی ارائه شد که برای حکمرانی خوب، مؤلفه‌هایی از قبیل: مشارکت، عدالت، شفافیت، حسابداری، حکومت قانون، پاسخ‌گویی، اجماع‌گرایی، ثمربخشی و کارایی و چشم‌انداز استراتژیک را برشمرده بود. بانک جهانی^۵ مجدداً در سال ۲۰۰۶ تعریف خود را به‌روز کرده و به این شکل ارائه نمود: مؤلفه‌های حکمرانی خوب عبارتند از: جامعیت و پاسخ‌گویی تحقق‌یافته در سه بخش مهم انتخابات، پاسخ‌گویی و تعویض حاکمان، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنشگران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست. برنامه عمران سازمان ملل^۶ نیز تعریفی از حکمرانی خوب ارائه کرده، که در آن حکمرانی خوب را شامل مؤلفه‌های قاعده‌مندی، شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و انصاف، ترویج برابری حقوقی، تضمین اولویت‌مندی سیاسی اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمعی، و نقش اظهارنظرهای فقرا و قشر آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه دانسته است. گریندل^۷ نیز در ۲۰۱۰م حکمرانی خوب را تعریف کرده است. به نظر وی حکمرانی خوب در بیشتر

1. Good Governance

2. https://documents1.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/pdf/multi-page.pdf_p_14

۳. ODA (حمایت توسعه رسمی: Official development assistance) مقوله‌ای است که توسط کمیته کمک به توسعه (DAC) و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) برای اندازه‌گیری کمک‌های خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. DAC برای اولین بار این مفهوم را در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسانده است که به منابع مادی اعطاشده توسط دولت‌های کشورهای ثروتمندتر (توسعه‌یافته) برای ارتقای توسعه اقتصادی کشورهای فقیرتر (درحال توسعه) و رفاه مردم آنها گفته می‌شود.

4. Friedman, Thomas, (۱۹۹۸), Good governance is the only real protection, The New York Times, February.

5. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/pdf/multi-page.pdf>, p. 14.

6. United Nations Development Programme (UNDP)_ UNDP, "What is it Governance", (2000) at PAPP List of Projects Contact, US, online at [http:// WWW. Papp, UNDP. Org/governance/about. htm](http://WWW.Papp, UNDP. Org/governance/about. htm).

7. Grindle, Merilee S., (2004), Good enough governance: poverty reduction and reform in developing countries. Governance, 17(4), 525-548.

موارد بیانگر فهرستی از خصوصیات پسندیده است که حکومت باید داشته باشد. حکمرانی خوب بیانگر نگرانی‌های هنجاری درباره اموری است که دولت باید انجام دهد؛ مانند کاهش فقر، حفظ ثبات سیاسی یا عرضه خدمات پایه‌ای. در مجموع به نظر می‌رسد در حکمرانی خوب براساس ادبیات غربی، هشت مؤلفه بیشتر مورد توجه است که عبارتند از: مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارایی، حقوق مساوی و عدالت (البته گاهی بحث حقوق مساوی با عدالت جایگزین می‌شود)، وفاق عمومی و انسجام اجتماعی، پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت و حاکمیت قانون. اما چون در این نوشتار به دنبال فهم و درک مفهوم حکمرانی از دیدگاه اسلامی هستیم، تلاش می‌کنیم از منابع اسلامی به تعریفی از آن دست پیدا کنیم. فرضیه کلان ما در این بحث‌ها این است که نوع خاصی از حکمرانی توحیدی و قرآنی داریم که به گونه‌ای است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب (به معنای حقیقی کلمه و نه به معنای غربی آن) را ارائه می‌کند که می‌توانیم با بهره‌گیری از آنها نظریه حکمرانی خوب را که اکنون در دنیا رایج است، اصلاح و تکمیل کنیم. ما به حکمرانی خوب احتیاج نداریم تا صرفاً از نعمت‌های عالم ماده بهره‌مند شویم و به عمران دنیای مردم پردازیم، بلکه باید بتوانیم هم‌زمان به زندگی هم معنای جدیدی ببخشیم؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^۱. یعنی پیامبر آمده است تا شما را به زندگی دعوت کند. چون شما را به زندگی دعوت می‌کند پس شما اجابت کنید. بنابراین قرآن آمده که ما را به زندگی دعوت کند. اسم این زندگی از نظر قرآن کریم، حیات طیبه است.^۲

با بررسی موضوعات مشابه این تحقیق، پژوهشی با مختصات این نوشتار مشاهده نشد. عمده تحقیقات صورت گرفته، اساس بحث خود را سلبی و بر پایه نقد مبانی غرب قرار داده‌اند، نه ارائه نظر اسلام در خصوص حکمرانی. البته دو مقاله با روش تفسیری قرآن به قرآن و با رویکرد موضوعی، شاخص‌هایی برای حکمرانی اسلامی ارائه نمودند؛ یکی حول مفهوم تبعیت در قرآن^۳ و دیگری پیرامون مفهوم اطاعت در قرآن.^۴ اگرچه در نهایت به تعریفی جامع و مقبول در مفهوم‌شناسی حکمرانی به نحو سازه‌ای نائل نیامده‌اند. بنابراین نوآوری این نوشتار این است که برای شناخت نظر اسلام در مفهوم حکمرانی، مفهومی فراتر از یک مفهوم بسیط را دنبال می‌کند؛ چراکه مقوله حکمرانی از آن دسته مفاهیمی است که تعریف آنها سهل و در عین حال ممتنع است. بنابراین باید با چارچوب و سازه‌ای خاص تعریف و تبیین شوند.

۱. سوره الأنفال، آیه ۲۴.

۲. حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد. فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می‌گوید: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (سوره النحل، آیه ۹۷)، یعنی همه اینها؛ یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست (بیانات رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۹/۳/۱).

۳. ایزدبخش و جوادی، ۱۳۹۹.

۴. امامی و جوادی، ۱۴۰۰.

۱. مباحث مفهومی و نظری

به طور کلی مفاهیم را از حیث تعریف به دو دسته می توان تقسیم کرد: مفاهیم بسیط و مفاهیم سازه‌ای. مفاهیم بسیط به مفاهیمی اطلاق می شود که از پیچیدگی و ابهام برخوردار نیستند؛ از قبیل اسامی ذات. به عنوان مثال مفهوم مداد یک مفهوم بسیط است. این مفاهیم، در فضای مخاطب نیاز به توضیح مختصری برای مفاهمه دارند. اما مفاهیم سازه‌ای به راحتی مفاهیم بسیط قابل فهم نخواهند بود؛ چراکه از پیچیدگی خاصی برخوردارند. به همین دلیل برای تعریف، به چارچوب و سازه خاصی نیاز دارند تا مفاهمه براساس چارچوب یکسان بین طرفین شکل گیرد؛ زیرا عدم مفاهمه واحد، موجب تعدد برداشت در بعضی مسائل علمی خواهد شد و پژوهش را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند. مفهوم حکمرانی را نیز باید از این دسته از مفاهیم دانست. بنابراین در تعریف حکمرانی باید از سازه‌ای استفاده کرد که بتواند مقصود را به مخاطب منتقل کند.

نظر به وجود پیچیدگی در مفهوم حکمرانی، برای تبیین آن در این نوشتار، از سازه حرکت^۱ در حکمت متعالیه و فلسفه اسلامی وام خواهیم گرفت؛ چراکه مفهوم حکمرانی برخلاف مفهوم حکومت که مفهومی ایستاست، یک مفهوم فرایندی است. بنابراین باید از سازه‌ای استفاده کرد که از سنخیت فرایندی برخوردار باشد. البته از سازه‌های دیگری مستند به فلسفه اسلامی نیز می توان استفاده کرد. برای مثال سازه علل اربعه نیز این قابلیت را دارد؛ اما سازه حرکت در بررسی اولیه به خاطر جنس فرایندی آن، مناسب تر به نظر می رسد. اما بسته به اینکه متعلق حکمرانی چیست، ارکان آن نیز متفاوت شده و از دیگر انواع حکمرانی متمایز خواهد شد.

با توجه به اینکه در اندیشه امام خمینی (ره) دین را می توان به سه بخش اعتقادات، اخلاق و فقه (احکام) تقسیم کرد،^۲ حکمرانی نیز با توجه به اینکه ناظر به کدام بخش باشد، می تواند سه بخش داشته باشد که هر بخش به تناسب ارکان ششگانه حرکت، دارای شش رکن خواهد بود:

حکمرانی اعتقادی: دین برای حرکت انسان از شرک و رساندنش به توحید برنامه دارد و در فرایند هدایت، حکمرانی در اعتقادات از مراتب نازله اعتقادی که آمیخته به شرک است به عنوان مبدأ شروع و به توحید به عنوان مقصد ختم خواهد شد. به عبارت دیگر نتیجه سیر در این فرایند، تحقق حکمرانی توحیدی خواهد بود؛ چنان که در آیه شریفه «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۳ بحث از مبدأ حکمرانی توحیدی است که در فرایند هدایت محقق خواهد شد. اما در مقابل حکمرانی توحیدی، حکمرانی‌ای وجود دارد که با ادبیات قرآنی می توان از آن به عنوان حکمرانی

۱. «أن الحركة خروج الشيء من القوة إلى الفعل تدريجاً، وإن شئت فقل هي تغير الشيء تدريجاً، والتدرج معنى بديهى التصور بإعانة الحس عليه» (طباطبایی، بدایة الحکمة، ص ۱۲۰).

۲. «اگر حق آمد، باطل خودبه خود زاهق خواهد شد. ما باید کوشش کنیم که از خودمان گرفته تا برادرهای اسلامی و برادرهای دینی خودمان در همه کشورهای اسلامی، به حق توجه کنیم و حق را پیاده کنیم. مجرد حرف نباشد که ما فقط یک شعاری بدهیم که حق آمد و باطل رفت. آمدن حق شعاری نیست، آمدن حق عمل است، آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات و اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام الهی است. اگر احکام الهی در یک ملت پیاده بشود، باطل از آن ملت کوچ می کند و اگر در همه ملت‌های اسلامی، احکام الهی - اخلاقی که سفارش شده است، اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود، خودبه خود باطل زاهق می شود» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۳).

۳. سوره النحل، آیه ۳۶.

طاغوتی یاد کرد که در فرایند ضلالت محقق خواهد شد. به عبارت دیگر حکمرانی توحیدی می‌خواهد توحید را در جامعه حاکم کند و در مقابل آن، حکمرانی طاغوتی درصدد گسترش نافرمانی و شرک است تا جامعه به پرتگاه جهنم سرازیر شود.

حکمرانی اخلاقی: مبدأ در فرایند حکمرانی در بُعد اخلاقیات، رذایل خواهد بود که نفس انسان به سمت مقصد که فضائل اخلاقی است هجرت کند. به عبارت دیگر حکمرانی از مبدأ تا مقصد اخلاقیات، حکمرانی فضیلت‌محور خواهد بود.

حکمرانی فقهی: شریعت و فقه بخش سوم دین و متعلق دیگر برای حکمرانی است. در واقع حکمرانی فقهی یا شرعی نیز در فرایند هدایت می‌خواهد احکام شرعی را در جامعه اجرا کند. یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات الهی مقصد حرکت از وضع موجود جامعه خواهد بود.

بنابراین در حوزه درون دینی با چارچوب نظری سه‌حوزه‌ای دین در مکتب امام خمینی (ره) حکمرانی توحیدی، حکمرانی فضیلت‌محور و حکمرانی شرعی را می‌توان از بخش‌های مختلف حکمرانی دینی یا اسلامی دانست. به عبارت دیگر هر یک از این سه قسم در یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ به نحوی که سرانجام به هدف خاص ما را رهنمون خواهند ساخت. در نتیجه حکمرانی دینی حکمرانی توحیدی فضیلت‌محور شرعی خواهد بود. به عبارت دیگر، حکمرانی از منظر امام خمینی (ره) باید دربردارنده سه بعد اعتقادی، اخلاقی و فقهی باشد که این سه بعد، ابعاد یک حقیقت هستند.

۲. ارکان سازه حرکت

در اینجا لازم است توضیح مختصری درباره ارکان سازه حرکت ارائه شود. برابر بحث مطرح شده در بدایه الحکمه^۱ هر حرکت دارای شش رکن است که هر کدام از آنها در تمیز نوع حرکت از دیگر انواع می‌تواند حائز اهمیت باشد.

۲.۱. مبدأ و مقصد

هر حرکتی، مبدأ و مقصدی دارد و به این اعتبار، تقسیماتی را می‌توان برای حرکت برشمرد؛ یعنی اگر مبدأ در نقطه‌ای و انتها در نقطه خاصی باشد، این یک حرکت را تشکیل می‌دهد که مختصاتی متمایز از دیگر حرکت‌ها خواهد داشت و اگر مبدأ و انتها در حرکت تغییر کند، حرکت و نوع آن نیز تغییر می‌کند.

۲.۲. متحرک و محرک

گاه حرکت به اعتبار موضوع تقسیم می‌شود؛ یعنی گاه حرکت در موجودات طبیعی بی‌جان است؛ مانند حرکت سنگ، گاه در گیاهان است و گاه در انسان و گاه در حیوان. به عبارت دیگر متحرک نیز یکی از ارکان حرکت شمرده می‌شود که با تغییر در آن موضوع حرکت متفاوت خواهد بود.

اما حرکت به لحاظ فاعل و ایجادکننده حرکت که محرک است تقسیم می‌شود به حرکت بالذات و حرکت بالعرض. حرکت بالذات آن است که محرک در درون متحرک باشد و حقیقتاً آن را به حرکت درآورد مانند کشتی یا هواپیما یا انسانی که حرکت می‌کند. حرکت بالعرض آن است که فاعل، متحرک را بالذات حرکت نمی‌دهد بلکه متحرک امر دیگری است که آن را بالذات حرکت می‌دهد و ما حرکت را بالعرض به چیز دیگری نسبت می‌دهیم. مانند کسی که در هواپیما نشسته است که می‌گویند حرکت می‌کند. در اینجا نیروی فاعل، هواپیما را حرکت می‌دهد ولی این حرکت بالعرض به سبب علاقه حال و محل به فرد نسبت داده می‌شود.

۲.۳. زمان و مکان

زمان و مکان حرکت را می‌توان قلمرو حرکت نیز تعبیر نمود که متناسب با متعلق حکمرانی گستره کارویژه‌های آن را تعیین خواهد کرد. حرکت را به لحاظ زمان نیز می‌توان تقسیم نمود؛ مانند حرکت روزانه یا شبانه یا حرکت در قرن نهم و حرکت در قرن دهم. گاه حرکت به اعتبار مقوله (مسافت) تقسیم می‌شود که در نتیجه بعضاً حرکت در این است و گاه در وضع و گاه در کم.

۳. تطبیق مفهوم حکمرانی با سازه حرکت

در اینجا مفهوم حکمرانی را با استفاده از سازه حرکت مورد بررسی و تطبیق قرار خواهیم داد.

۳.۱. مبدأ و مقصد

مبدأ و مقصد در حرکت دو رکن تعیین‌کننده هستند. مبدأ حکمرانی دینی را می‌توان دنیا و مقصد آن را عقبی دانست. بنابراین انسان در این دنیا تحت حکمرانی دین باید به اصل حیات طیبه که به معنای حقیقی آن در آخرت قابل تحقق است، برسد. لذا می‌توان گفت فرایند حکمرانی در اسلام فرایندی است مبتنی بر هدایت که از «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ به عنوان مبدأ شروع شده و تا توحید و قرب الهی به عنوان مقصد، امتداد پیدا می‌کند که در این مسیر، متحرک، افراد، نهادها، انجمن‌ها، کارگزاران و کششگران نظام دینی خواهند بود.

۱. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ» (سوره نحل، آیه ۳۶).

۳.۲. زمان و مکان

اما دو رکن زمان و مکان را در حکمرانی، می‌توان معادل مسیر و مسافت دانست. آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱ و آیه ۸ سوره شمس که به حکمرانی در نفس انسان اشاره دارد که از «فَاللَّهُمَّ فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»^۲ شروع می‌شود و در مسیر صراط مستقیم با فرایند هدایت به «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^۳ ختم می‌شود، متناسب با این بحث است.

۳.۳. متحرک‌ها

رکن سوم حرکت در اصطلاح فلسفی، متحرک‌ها هستند که در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، با اصطلاح معادل کنشگران یا بازیگران از آن یاد می‌شود که از یک منظر شامل نهادهای دولتی، غیردولتی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی و از منظری دیگر شامل پنج نهاد اساسی خانواده، اقتصاد، بهداشت، تعلیم و تربیت و حکومت می‌شوند.

نهاد خانواده: کارویژه اصلی نهاد خانواده بحث حفاظت از نسل انسان و تولیدمثل است. در این نهاد بحث از جمعیت، ازدیاد و کاهش آن، حجاب، ازدواج، جوانان و ... می‌باشد. همه این مسائل ذیل حکمرانی خانواده قابل تحقق خواهد بود. در سوره مبارکه نور که محوریت آن موضوع خانواده قرار گرفته است سخن از خانواده نورانی مطرح می‌شود که در مقابل آن، خانواده ظلمانی تبیین می‌شود. خانواده نورانی، خانواده‌ای است که هم از نور تشریحی خدای متعال و هم از نور تکوینی او استفاده می‌کنند؛ یعنی همان «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»^۴ که بحث نور تشریحی مطرح می‌شود. در آیه بعد سخن از این است که این نور را از کجا می‌توانید پیدا کنید. بنابراین می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذْنُ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۵. بعد باید پرسید که ویژگی ساکنان این طور خانه‌ها چیست؟ در آیه بعد به این مهم اشاره می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^۶. بحث اقامه صلاه و ایتا زکات و ... و برخی دیگر اوصاف این تربیت‌یافتگان خانواده‌های تراز قرآن در ادامه مطرح خواهد شد. بنابراین خانواده نورانی، فردی نورانی را تربیت خواهد کرد. تبعیت از خدای متعال و رسولش نیز حاصل تربیت چنین خانواده‌ای خواهد بود.

نهاد اقتصاد: دومین نهاد از متحرک‌های حکمرانی، نهاد اقتصاد است که کارویژه اصلی آن، تأمین معیشت مردم می‌باشد. بنابراین هر جا سخن از معیشت جامعه به میان بیاید، باید نهاد اقتصاد را دخیل و حتی در بعض موارد محور قرار داد.

۱. سوره حمد، آیه ۶.

۲. سوره شمس، آیه ۸.

۳. همان، آیه ۹.

۴. سوره نور، آیه ۳۵.

۵. «فِي بُيُوتٍ أَذْنُ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (همان، آیه ۳۶).

۶. «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (همان، آیه ۳۷).

نهاد بهداشت: سومین نهاد از متحرک‌های حکمرانی، نهاد بهداشت است که متولی تأمین سلامت جامعه است. چه سلامت ظاهری و جسمی و چه سلامت روانی و روحی بر عهده نهاد بهداشت خواهد بود.

نهاد تعلیم و تربیت: نهاد چهارم از متحرک‌های حکمرانی، نهاد تعلیم و تربیت است که به تصریح آیه شریفه «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱ هم عهده‌دار تربیت و هم متولی تعلیم خواهد بود. حکمرانی آموزش و پرورش، حکمرانی فرهنگی و غیره همگی مربوط به همین نهاد هستند. از جهتی این نوع حکمرانی را می‌توان زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین نوع حکمرانی دینی دانست.

نهاد حکومت: پنجمین نهاد از متحرک‌های حکمرانی، نهاد حکومت است که وظیفه تأمین امنیت^۲ را بر عهده دارد. حکمرانی در این نهاد را حکمرانی سیاسی یا حکمرانی حکومت می‌توان نامید. حال چه در عرصه داخلی باشد و چه در عرصه خارجی، چه در عرصه سیاست‌ورزی داخلی چه در عرصه سیاست‌ورزی خارجی. حکمرانی سیاسی نیازمند ارتباطی غیرقابل انفکاک با دیگر نهادهاست؛ یعنی بحث امنیت اقتصادی، بهداشتی، خانوادگی و فرهنگی (تعلیم و تربیت) در این نوع حکمرانی مطرح خواهد شد. بنابراین مهم‌ترین متحرک و کنشگر در عرصه حکمرانی، نهاد حکومت و سیاست است. البته این کنشگران باید دارای ویژگی‌هایی باشند که در رکن محرک‌ها به آن اشاره خواهد شد.

۳.۴. محرک‌ها (معرفتی‌دانشی - انگیزشی)

بحث محرک‌ها در اصطلاح فلسفی یا پیشران‌ها در اصطلاح علوم اجتماعی بر دو بخش‌اند: پیشران‌های معرفتی - دانشی و پیشران‌های انگیزشی. با توجه به مبدأ و مقصدی که تعریف کردیم، پیشران‌های معرفتی، پیشران‌های مرکب از علوم دینی و تجارب بشری هستند. به عبارت دیگر ما به لحاظ منابع معرفتی باید از منابع تجربی، عقلانی، وحیانی و شهودی استفاده کنیم. هر کدام را کم کنیم به همان میزان حکمرانی ما دچار اختلال خواهد شد. در اینجا بحث حکمرانی علم در کشور مطرح می‌شود؛ بحث آموزش و پرورش، وزارت علوم و حوزه علمیه که اینها ایده‌های حکمرانی را برای ما تولید می‌کنند. اگر در بخش تولید ایده‌های حکمرانی دچار چالش باشیم، طبیعتاً در مقام اجرا هم دچار چالش خواهیم بود. فلسفه حکمرانی اسلامی در اینجا بیشتر خودش را نشان خواهد داد. به این معنی که در حکومت دینی، آلا و لا بد باید حکمرانی‌اش هم دینی باشد و اگر می‌خواهد حکمرانی دینی داشته باشد، باید منابع معرفتی دینی‌اش برایش تولید دانش کند. ما اول باید وضع معرفت خودمان را درست کنیم، تولیدات نظری لازم را انجام دهیم تا بتوانیم در میدان عمل موفق باشیم.

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲).

۲. «امنیت به معنای دستیابی به وضعیتی است که "الف" با انجام دادن یا انجام ندادن اقداماتی از آسیب، تعرض و تهدید "ب" محفوظ و مصون باشد تا به "ج" برسد یا در وضعیت "ج" باشد» (لکزایی، امنیت متعالیه، ص ۳۳۷). مسئله امنیت دو بعد دارد که یک بعد آن دنیوی و بعد دیگر اخروی می‌باشد.

دسته دوم، محرک‌های انگیزشی است که در اینجا دستور *يُزَكِّيهِمْ* یعنی اصلاح انگیزه‌ها مطرح خواهد شد. در این عرصه نیز باید از مبدأ تا مقصد مراقب انگیزه‌ها باشیم. انگیزه الهی یا غیرالهی. بنابراین با توجه به تلفیق محرک‌های معرفتی و انگیزشی، هشت نوع حکمرانی تولید می‌شود که یکی حکمرانی دینی و هفت نوع دیگر، حکمرانی غیردینی است. حکمرانی دینی و مطلوب، همان حکمرانی عاقلانه عادلانه است. قید عاقلانه به لحاظ نظری است که همه جنود عقل را در بر می‌گیرد و به تعبیر قرآن، مقابل قید جاهلانه است. اما قید عادلانه مقام عمل را در بر می‌گیرد و در عرصه کنشگری، عدالت مطرح می‌شود. پس اجمالاً در حوزه معرفتی، حکمرانی اسلامی حکمرانی عاقلانه و در حوزه انگیزشی، حکمرانی اسلامی حکمرانی عادلانه خواهد بود. اما هفت نوع دیگر از انواع حکمرانی غیردینی، با قید جاهلانه ظالمانه همراه خواهند بود.

حکمرانی جاهلانه با توجه به محرک‌های معرفتی و انگیزشی به هفت نوع تقسیم می‌شود. یکی از آنها، صرفاً منفعت‌محور است. حکمرانی منفعت‌محور یعنی حکمرانی‌ای که در پی تأمین امیال و لذت‌های انسان است که البته این منافع را در سطح دنیوی دنبال می‌کند و به معنی حقیقی کلمه، رفاه‌گراست. یعنی به مباحث دینی، اعتقادی، اخلاقی و فقهی کاری ندارد؛ بلکه دنبال ثروت است؛ چراکه در این نوع حکمرانی، شهوت بر قوه عقل غلبه نموده و زمام امور را به دست گرفته است. نسخه رایج حکمرانی در دنیای کنونی منفعت‌گراست؛ همان که در غرب از آن به حکمرانی خوب یاد می‌کنند. به تعبیر امام خمینی (ره)، این سیاست، یک سیاست حیوانی است.^۱ نوع دوم این است که به جای قوه عقل، قوه غضبیه حاکم باشد که نتیجه این نوع حکمرانی، زورگویی، ستمگری و نقض حقوق مردم خواهد بود. در حوزه سیاست، امپریالیزم از اینجا به وجود می‌آید. نوع سوم، حکمرانی مبتنی بر وهم است؛ حکمرانی مبتنی بر تزویر، روبه‌صفت و فریبکار که قوه وهم را به جای قوه عقل نشانده است.

هر کدام از این انواع حکمرانی در تفکر غربی نماینده دارد. مثلاً ماکیاولی^۲ سیاست روبه‌صفتی، هابز^۳ سیاست سبعی، بنتهام^۴ سیاست لذت‌طلبانه و مارکس^۵ نیز رویکرد ترکیبی زر (طمع‌گرایانه)، زور (سلطه‌گرایانه) و تزویر (فریب‌کارانه) را مطرح می‌کند. بر اساس همین سه مدل ذکرشده، چهار مدل ترکیبی نیز شکل خواهد گرفت که عبارتند از: نوع چهارم: حکمرانی منفعت‌گرایانه سلطه‌طلبانه؛ یعنی هم دنبال رفاه، لذت و آسایش و هم دنبال سلطه بر

۱. «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام... اینکه می‌گویند شما دخالت در سیاست نکنید و بگذارید برای ما، شماها سیاستدان، سیاست صحیحتان هم یک سیاست حیوانی است. آنهایی که فاسدند، سیاستشان سیاست شیطانی است، آنهایی که صحیح راه می‌برند باز سیاستی است که راجع به مرتبه حیوانیت انسان، راجع به رفاه این عالم، راجع به حیثیاتی که در این عالم هست راه می‌برند. لکن انبیا، هم این عالم را و هم آن عالم را و اینجا راه است برای آنجا این‌ها هدایت می‌کنند مردم را به این راه و آنچه که صلاح ملت است، صلاح جامعه است. این‌ها آنها را به آن صلاح دعوت می‌کنند و صلاح مادی و معنوی از مرتبه اول تا آخری که انسان مراتب کمال دارد» (خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۲۴۶-۲۴۷).

2. Machiavelli
3. Hobbes
4. Bentham
5. Marx

دیگران است؛ نوع پنجم: الگوی حکمرانی منفعت‌گرایانه تزویرگرایانه؛ نوع ششم، الگوی حکمرانی سلطه‌گرایانه تزویرگرایانه؛ نوع هفتم: الگوی حکمرانی منفعت‌طلبانه سلطه‌طلبانه تزویرگرایانه. این نوع از همه انواع حکمرانی جاهلانه، خطرناک‌تر است. یعنی از امپراطوری رسانه‌ای هم در جهت فریب و اغفال مردم استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، آمریکا از این نوع حکمرانی برخوردار است. اینکه امام می‌فرماید: آمریکا تروریست به ذات است^۱، ناظر به بُعد سبعی اش مطرح می‌شود یا اینکه می‌فرماید: آمریکا شیطان بزرگ است^۲، ناظر به بُعد تزویرش مطرح می‌کند یا اینکه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خوی استکباری و منفعت‌طلبی آمریکا را ناشی از حفظ منافع، شهوت و غضب می‌داند.^۳

پس بر اساس پیشران‌های (محرک‌های انگیزشی) حوزه حکمرانی، هشت الگوی حکمرانی وجود دارد که تنها یکی از آنها مورد تأیید قرآن، حدیث و رهبران ماست و آن، الگوی حکمرانی اسلامی است. الگوی حکمرانی اسلامی دارای ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی، فقهی، عرفی - تجربی و مردمی است. این چهار لایه به لحاظ مبدأ و مقصد باید در متحرک‌ها نیز خودش را نشان دهد؛ یعنی حکمرانی خانواده باید مباحث اخلاقی خانواده، فقهی خانواده، اعتقادی خانواده و عرفی - تجربی خانواده را در بر بگیرد.

۳.۵. زمان و مکان

اما رکن پنجم و ششم، زمان و مکان است؛ یعنی باید زمان و مکان را در فرایند میان مبدأ و مقصد لحاظ کنیم. زمان و مکان در الگوی حکمرانی متعالی، از دنیا تا عقبی را در بر می‌گیرد؛ درحالی که هفت نوع دیگر حکمرانی، کاری به آخرت ندارند یا به آخرت اصالت نمی‌دهند؛ اصل برایشان دنیا هست؛ بنابراین در جمع‌بندی مفهوم حکمرانی می‌توان گفت، تعریف حکمرانی در قالب سازه‌ای چنین خواهد بود: فرایند هدایت «الف» از «ب» تا «ج» براساس محرک‌های «د» از طریق کنشگر/کنشگران «ه» در محیط «و» و در زمان «ز».

۱. «ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم‌پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شوند که قلم‌ها از نوشتن و زبان‌ها از گفتن آن شرم دارند» (خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۸).

۲. «در نظرم است که در یک روایتی است که رسول خدا که مبعوث شد، آن شیطان بزرگ فریاد کرد و شیطان‌ها را دور خودش جمع کرد و اینکه مشکل شد کار بر ما. در این انقلاب، شیطان بزرگ که امریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند. و چه بچه شیطان‌هایی که در ایران هستند و چه شیطان‌هایی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است» (همان، ج ۱۰، ۴۸۹).

۳. «کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، امروز گرفتاری‌های زیادی دارند: گرفتاری ناامنی دارند، گرفتاری برادرکشی دارند، گرفتاری تسلط گروه‌های از خدا بی‌خبر دارند و پشت سر همه اینها هم گرفتار نقشه‌های استکباری قدرت‌های بزرگ و در رأس آنها آمریکا هستند که به اسم حفظ منافع خودشان وارد میدان‌ها می‌شوند و هر کاری که دلشان می‌خواهد - همان شهوت و غضب - انجام می‌دهند؛ یعنی انسان‌های بی‌گناه را می‌کشند، از گروه‌های ناپاک حمایت می‌کنند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۳۹۴/۲/۲۶).

مفهوم دین نیز باید به صورت سازه‌ای فهم شود تا بتوان ارکان ششگانه حرکت را در آن مشاهده کرد. با مراجعه به قرآن با روش تفسیری قرآن به قرآن، روشن شد که این سازه سه ضلع دارد. در بعضی از آیات، اصطلاح دین به معنای تسلیم بودن و مطیع بودن به کار رفته است؛ مثلاً آیه: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱ در اینجا دین داری یعنی ما تسلیم خدا باشیم. البته در لغت عرب نیز به همین معنا به کار رفته است؛ مثلاً وقتی می‌گویند که فلان فی دین فلان یعنی این در اطاعت آن است؛ یا مثلاً وقتی می‌گویند: مرج الدین^۲ یعنی هرج و مرج شد؛ یعنی نظام اطاعت فروپاشید. عرب این جمله را زمانی به کار می‌برد که رئیس قبلی فوت کند و چون فعلاً قبیله رئیس ندارد، بنابراین قبیله در موقعیت هرج و مرج است. معنای دوم دین در قرآن، مجازات و پاداش است؛ آن مرجعی که مجازات می‌کند و پاداش می‌دهد، خداست. مالک یوم الدین^۳، یعنی مالک روز جزاست؛ یعنی نیکوکاران را پاداش می‌دهد و بدکاران را عقاب می‌کند. بنابراین دین در معنای اول اطاعت و تسلیم است و در معنای دوم به معنی حمایت و مجازات خواهد بود.

اما در قرآن، معنای سومی نیز برای دین مشاهده می‌شود که به معنای عادات، رسوم و سبک زندگی است. به عبارت دیگر عرب وقتی دین ملموس می‌شود از تعبیر «دان» استفاده می‌کند. اما در قرآن کریم به دین مجسم شده «ملة» اطلاق می‌شود؛ چنان که می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۴ یا آنجا که در قرآن آمده: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ»^۵ همه به معنای دین مجسم و ملموس اشاره دارد. نیز در همین آیه دین قیّم به کار رفته که همان معنای دینی را که تجسم عینی پیدا کرده است می‌دهد، یعنی دینی که قبله، حج، مناسک و نظامات دارد. به اصطلاح، جوری که ایزوتسو^۶ معنا می‌کند و می‌گوید: این دین مجسم و عینی نظاماتی دارد. آیاتی که کلمه دین در آنها به کار رفته، بسیار زیاد است. به عنوان مثال آیه شریفه «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ»^۷ که دین در آن وجهه عینیت یافته اجتماعی دین است که شامل هر سه معنای دین می‌شود. یعنی اینکه انسان خودسامان نیست، موجودی است محتاج و خودش نمی‌تواند مسائل خودش را حل کند. بنابراین انسان به حمایت نیاز دارد و اگر احتیاج به حمایت دارد پس باید اطاعت کند؛ همان‌طور که در عرف چنین است که اگر فردی از دولت اطاعت نکند، دولت هم از او حمایت نخواهد

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۹).

۲. «معنی قوله مرج الدین: اضطرب و التبس المخرج فيه، و كذلك مرج العهود: اضطربها و قلّة الوفاء بها، و أصل المَرَج القَلْقُ. و أمر مَرِجٌ أى مختلط» (ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۶۵).

۳. «مالک یوم الدین» (سوره حمد، آیه ۴).

۴. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (سوره بقره، آیه ۱۲۰).

۵. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (سوره حج، آیه ۷۸).

6. Toshihiko Izutsu

۷. «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (سوره شوری، آیه ۱۳).

کرد. پس انسان برای اینکه نیازهایش تأمین شود - مثلاً احتیاج به امنیت دارد، دولت را به وجود می آورد تا دولت از او حمایت کند - باید از دولت اطاعت کند. در نتیجه یک نظام حمایت - اطاعت در اینجا شکل می گیرد. اگر فرد و شهروند از دولت اطاعت نکرد، دولت نه تنها از او حمایت نمی کند بلکه مجازاتش هم می کند. اما شهروند از چه باید اطاعت کند؟ از نظامات عینی ای که دین تعریف کرده است. حالا عیناً همین بحث در دین نیز مطرح می شود؛ چرا که گویا خدای متعال می فرماید: من از شما حمایت می کنم اگر شما از من اطاعت کنید. اگر چه خدا انسان را مختار آفرید ولی انسان یک سری نیازمندی هایی دارد. خدا پیامبران را برای راهنمایی بشر فرستاد، قرآن را فرستاد، بعد فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱. یعنی اگر شما به این مجموعه نظامات ملتزم شدید خدای متعال شما را یاری خواهد کرد؛ زیرا انسان مختار آفریده شده و حق تعالی با این کیفیت خلقت اراده کرده که بشر با اراده خود مسیر درست را انتخاب نموده و به هدف از خلقتش نائل آید. لذا فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲. یعنی برای رسیدن به هدف باید به همه نظامات مجعول الهی گردن نهید.

۵. مفهوم حکمرانی دینی

مطابق قانون الهی، ما اگر از خدا اطاعت نکنیم مجازات دارد و اگر اطاعت کنیم پاداش دارد. این قانون در دولت نیز جاری است؛ یعنی دولت نیز نظامی متشکل از اطاعت، حمایت، مجازات و پاداش است. نمی توان گفت: نظام اطاعت، حمایت و مجازات در عرصه سیاسی، ربطی به دین ندارد. از آیه شریفه «أَقِيمُوا الدِّينَ»^۳ فهمیده می شود که چنین چیزی غیرممکن است. همچنین از آیه شریفه «أَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»^۴ همین مضمون فهمیده می شود. آیات دیگر مثل «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اعْظُ عَلَيْهِمْ»^۵ را نمی توان نادیده گرفت و اطاعت نکرد یا ممکن نیست که آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۶ را کنار گذاشت؛ چرا که مطابق عقل و احکام الهی نمی توانیم یک نظام حکمرانی سکولار داشته باشیم و در عین حال بگوییم ما دین دار هستیم. طبق آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۷ چنین امری ممکن نخواهد بود. بنابراین ما باید نظام سیاسی و حکمرانی خود را که از محضر قرآن و با تمسک به دین مبین اسلام دریافت کنیم. در نتیجه مفهوم سازه ای دین را می توان متشکل از چهار رکن (اطاعت، حمایت، پاداش و مجازات) دانست. در این صورت، توحید عبادی تحقق پیدا می کند. لذا مفهوم سازه ای

۱. سوره محمد، آیه ۷.

۲. سوره نساء، آیه ۵۹.

۳. سوره شوری، آیه ۱۳.

۴. «فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَ اسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (همان، آیه ۱۵).

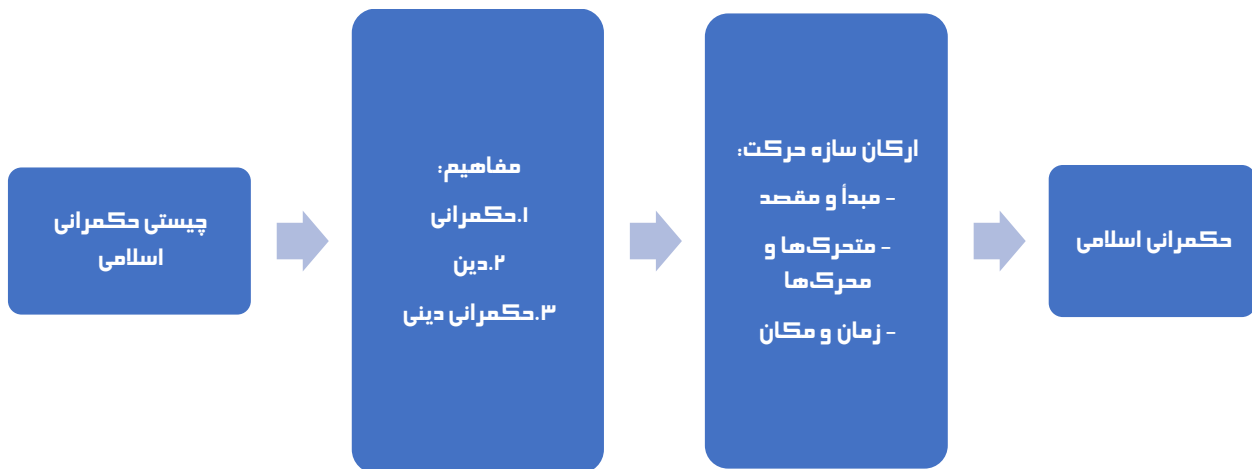
۵. «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اعْظُ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» (سوره توبه، آیه ۷۳).

۶. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حَرَمٌ إِنْ اللَّهُ يُحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (سوره مائده، آیه ۱).

۷. «حَرَمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ لغيرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنَقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُرْتَدِيَةُ وَ النَّطِيجَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّرْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقُ الْيَوْمِ بئسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (همان، آیه ۳).

دین، با مبدأ و مقصد در سازه حکمرانی گره خواهد خورد. به این معنی که اگر مبدأ و مقصد را اعتقادی، اخلاقی، فقهی و تجربی و عرفی دیدیم، نظام دینی «أَقِمْوا الدِّینَ» تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام حکمرانی الهی با مرجعیت قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) تحقق پیدا می کند. ولی اگر این گونه ندیدیم، نظام دین تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین با توجه به مباحث مذکور می توان تعریفی از حکمرانی اسلامی بدین بیان ارائه داد: «حکمرانی اسلامی فرایند هدایت فرد، جامعه، نهادها و ... در سطوح و ابعاد و بخش های مختلف و در ارتباط با دیگر اجزا از مبدأ تا مقصد و با بهره گیری از سازوکارها و محرک های معرفتی و انگیزشی توحیدی، عاقلانه و عالمانه به منظور تحقق عدالت از طریق عمل صالح و با به کارگیری ابزارهای قدرت مشروع».

نمودار تبیین چستی حکمرانی اسلامی براساس روش سازه ای حرکت



۷. نتیجه

برای تعریف مفهوم حکمرانی اسلامی از سازه حرکت جوهری در فلسفه اسلامی استفاده شد. یعنی نظر اسلام در چیستی حکمرانی برابر ارکان ششگانه حرکت (مبدأ، مقصد، محرک، متحرک، مسیر و مسافت) بیان شد. مثلاً در بُعد اخلاق از ابعاد سه گانه دین مبین اسلام، مبدأ، نفس آلوده به رذائل نفسانی انسان است و مقصد، نفس مطمئنه «یا أَيَّتِهَآ النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ»^۱ و تکامل یافته با فضائل انسانی خواهد بود. محرک‌های اخلاقی نیز می‌تواند معرفتی باشد؛ یعنی با اصلاح اندیشه و جهان بینی موجب بعث در انسان شود یا می‌تواند انگیزشی باشد. متحرک در حکمرانی اخلاقی، روح انسان است و مکان حرکت، دنیا و عقبی است و زمان آن از ابتدایی ترین لحظه عالم خلقت شروع و تا ابد ادامه خواهد داشت که البته تا قبل از مرگ، این سیر به اختیار انسان است و بعد از آن آثار اختیار وی در حیات مادی اش خواهد بود. با بررسی انجام شده، می‌توان مطلق حکمرانی و سپس حکمرانی اسلامی را براساس سازه حرکت به شرح ذیل تعریف کرد:

مطلق حکمرانی عبارت است از: «راهبرد پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزا از مبدأ تا مقصد براساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان».

اما حکمرانی اسلامی با اشراب ارزش‌های اسلامی در تعریف مطلق به دست خواهد آمد: «راهبرد پیشبرد مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان از طریق عمل صالح».

بنابراین عناصر مهم تعریف حکمرانی اسلامی که می‌توان به عنوان شاخص‌های اصلی و بارز حکمرانی اسلامی از آنها یاد کرد عبارتند از: ایمان، عمل صالح، عدل و عقل که مراد از عقل، عقل به مثابه جامع جنود عقل در حدیث شریف «جنود عقل و جهل»^۲ مدنظر است.

۱. سوره فجر، آیه ۲۷.

۲. خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۷.

۱. توجه به چستی و شاخص‌های حکمرانی اسلامی: نظر به بررسی مفهوم حکمرانی اسلامی براساس سازه حرکت و ارائه تعریف آن با مؤلفه‌ها و عناصر تعیین شده و متناسب با رویکرد اسلامی، پیشنهاد می‌شود تعریف ذیل در دستور کار قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و محققان وابسته به آن) قرار گیرد. تعریف حکمرانی اسلامی: «راهبرد پیشبرد مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان از طریق عمل صالح».

یعنی شاخص‌های معرفی شده در تعریف حکمرانی اسلامی (ایمان، عمل صالح، عدل و عقل)، مدام مدنظر سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و تأثیرگذاران حوزه تقنین قرار داشته باشد. به عبارت دیگر لازم است در همهٔ ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در قوه مقننه شاخص‌های حکمرانی اسلامی از قبیل: داشتن نگاه توحیدی توأم با عمل صالح، توجه به ماهیت فرایندی حکمرانی، عاقلانه و عادلانه بودن سیاست‌ها و اقدامات در چرخه حکمرانی و با استفاده از ابزار مشروع قدرت، مطمح نظر آنان باشد که لازم است به‌عنوان پیوست حکمرانی اسلامی در حوزه تقنین در تمامی شئون مجلس شورای اسلامی اعم از تقنین، سیاست‌گذاری، نظارت و بازخورد و در تمامی سطوح اعم از: فرد، خانواده، دولت، جامعه، منطقه و جهان اسلام و سطح بین‌الملل، لحاظ شود؛ چراکه لازمهٔ داشتن نظام اسلامی کارآمد و مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی، توجه و عمل به شاخص‌های حکمرانی اسلامی است.

۲. تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، کارگزاران، نهادها و همهٔ ذی‌ربطان و ذی‌نفعان، نظر به مستنبط بودن حکمرانی اسلامی از کتاب الهی قرآن، لازم است توجهی ویژه به تمدنی و جهانی بودن ایده‌ها، سیستم‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همین‌طور در ساحت اجرا داشته باشند تا با تأسی به جهان‌شمولی حکمرانی دینی و جامعیت دین مبین اسلام بتوان چرخه حکمرانی اسلامی را در سطح کلان و جهانی مطرح نمود.

منابع

الف) فارسی و عربی

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۳۷۴ق)، *لسان العرب*، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر.
۲. امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴.
۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۹۱)، *جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۲)، *بداية الحکمة*، قم: جماعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۶. لک‌زایی، نجف، (۱۳۹۸)، *امنیت متعالیه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. امامی، سید مجتبی و مجتبی جوادی، (۱۴۰۰)، «واکاوی مفهوم حکمرانی در پرتو کلمه «اطاعت» در قرآن کریم»، *امنیت ملی*، ج ۴۲، ش ۱۱، ص ۴۳-۷۴.
۸. ایزدبخش، حمید و مجتبی جوادی، (۱۳۹۹)، «مدل حکمرانی در قرآن کریم؛ براساس کلیدواژه «تبعیت»»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ج ۲۰، ش ۶، ص ۲۷-۵۶.

ب) انگلیسی

9. Friedman, Thomas, (1998), *Good governance is the only real protection*, The New York Times, February.
10. Freeman, Jody, (2000), *The private role in the public governance*, *NyuL Rev.*, 75.
11. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/pdf/multi-page.pdf>
12. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0305750X99001564>.
13. Grindle, Merilee S., (2004), "Good enough governance: poverty reduction and reform in developing countries", *Governance*, Vol. 17(4), p.525-548.
14. <http://documents.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/Governance-the-World-Banks-experience>.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
مرکز تحقیقات اسلامی



آدرس: قم، خیابان سمیه، ۲۰ متری شهید رجایی، پلاک ۷۸

CMIR.PARLIRAN.IR